

شلاق ثروت، از برده گی تا سرمایه داری

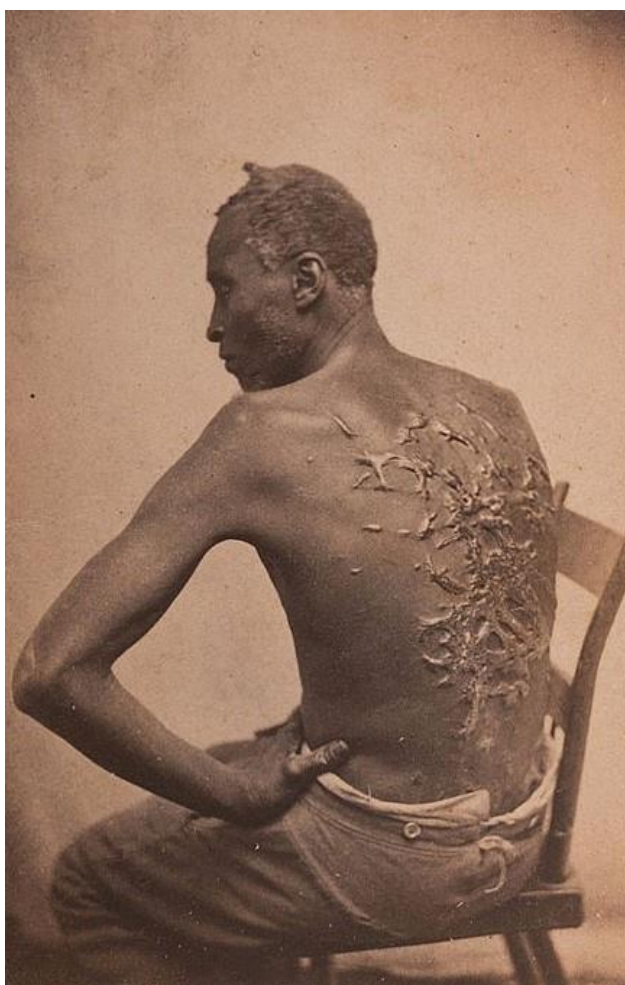
جامعه برده گی نخستین جامعه طبقاتی حیات بشر است. مناسبات تولیدی در جامعه کمون، که بر اشتراک جمعی نهاده شده بود، بادر نظر داشت رشد نیروهای مولده جایش را به جامعه مبتنی بر طبقات (برده و برده دار) خالی کرد. اکثریت جامعه به برده گان تبدیل شدند و اقلیت جامعه به مکین آخرین قطره های خون بردگان پرداختند. اقلیت طفیلی با شلاق ثروت، مالک جان و تن و زندگی اکثریت برده گان شد. این نیروی جدید کار به زودی، اشتهای طبقه حاکم را برانگیخت و قاچاق برده به یکی از پر سودترین تجارت جهان تبدیل شد.

صدای کشدار تازیانه ستم بردگی را می توان به خوبی در کمر شلاق خورده «گوردن» که بنام «پیتر شلاق زده» یا «پیتر مستمند» مشهور است، هنوز شنید. گوردن که در سال 1863 از زیر ستم در مزارع پنبه کیپتان «جان لینون» در لویزیانا گریخت، پس از طی راه های مشقتبار و تحمل رنج های فراوان خود را به مناطق شمالی و به ارتش اتحادیه رسانید.

عکسی از او، که با نام «پشت شلاق خورده» نشر شده، یکی از عکس های معروف جهان است که وضعیت برده ها را در ایالات متحده آمریکا به خوبی نشان می دهد، در کشوری که هنوز هم بردگی مدرن سرمایه داری میلیون ها کارگر و تهیدست را با شلاق سرمایه منکوب می کند.

میلیون ها برده در شدیدترین بهره کشی به تولید ثروت و دارایی برای طبقه برده دار می پرداختند و با جنگ های گلابیاتوری زمینه تفریح این طبقه حاکم را مساعد می ساختند؛ صدها شورش برده گان علیه ستم طبقه حاکم درج تاریخ گردیده و نام نامی سپارتاکوس را نگین مبارزه علیه بهره کشی ساخته است. عظمت این مقاومت و مبارزه را می توان در کمر شلاق خورده گوردن دید، که در هر پیچ و تاب آن شورش و اعتراض به مشاهده می رسد.

نبرد برده ها، آغاز نبرد طبقاتی در تاریخ است. این نبرد برای نخستین جرس آزادی ستمدیدگان از یوغ زجر و ستم نواخت و با خون برده گان فانوس راهی ستمدیدگان را روشن ساخت.



در جامعه طبقاتی، آزادی در مالکیت بر ثروت و سرمایه است و بنده گی و برده گی در تهیدسی و فرودستی. آنهایی که صاحب مال و منال و سرمایه و ثروت اند، هم آزادی دارند و هم مالکان دموکراسی اند؛ اما در اردگاه تهیدست ها نه آزادی برای ستمدیدگان وجود دارد و نه دموکراسی که بر حکم آن بتوانند صاحب مال و ثروت و سرمایه باشند. آزادی واقعی تهیدستان و فرودستان زمانی مسبر است، که سرمایه را از چنگال ستمگران بکشند و به مالکیت جمعی، به مالکیت همه فرودستان تبدیل کنند. نبرد میان این دو اردوگاه، نبرد طبقاتی است که از آن گریزی نیست.

شلاق «دموکراسی» ثروت و استبداد امروز خونبارتر از دوران برده گی بر زحمتکشان و ستمدیدگان فرو می آید. تازیانه چرمی برده گی اکنون به مادر بم ها، بم های خوشه ای، سلاح بیولوژیک و قتل عام های کودکان و زنان و مردان تبدیل شده است، بگذریم از اینکه مالکان وسایل تولید و خدمات و سیستم های تکنالوژی، چه زندگی هایی را که با استثمار به باتلاق نیستی می کشند.

اگر در دوره برده گی، سپارتاکوس با اعتراض خشمگین ناقوس رهایی را به صدا درآورد و میلیون ها برده برای آزادی بپاخواستند؛ در بردگی سرمایه داری کنونی نیز ناقوس های فراوانی علیه ثروت سرمایه به صدا درآمده و به ثمر نشست است. از نخستین نبرد در کمون پاریس گرفته تا انقلاب اکتبر و انقلاب چین و همه، شلاقداران سرمایه را به مصاف طلبیده و بر ویرانی ثروت خصوصی آن، مالکیت اجتماعی بنا کرده بودند.

تاریخ به پایان خود نرسیده، تا سرمایه و کار در کنار هم اند، نبرد این دو کماکان ادامه دارد و به یقین می توان گفت که تاریخ دیر یا زود شاهد کمون های دیگر خواهد بود و شعله آزادی شلاق ثروت و تازیانه حقارت را خاکستر خواهد کرد.